

آموزه خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر پایه «تقوا الله» با اهرم انذار

فتح‌اله نجارزادگان *

فاطمه نجارزادگان **

چکیده

اسلامیت الگوی پیشرفت در گرو التزام به باورهای دینی است که گوهر معنایی آن چیزی جز «توحید» نیست؛ نمود عملی توحید در سطح جامعه، رعایت تقواالله است که نقش پررنگی را در درمان مسئولیت‌گریزی و تحقق این الگو ایفا می‌کند. بر این اساس ضروری است این نیرو تحریک و تقویت گردد. بدین منظور این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بیان گونه‌های انذار (هشدار به پندارزدگان؛ هشدار به وقوع تنبیه در دنیا؛ هشدار نسبت به کیفرهای نابودکننده در دنیا؛ هشدار نسبت به کیفرهای دوزخ) و نقش آن‌ها در تحریک و تقویت نیروی تقواالله پرداخته است و سپس برای کاربردی کردن آن‌ها، فاصله جامعه دینی را با این انذارها نشان می‌دهد.

کلیدواژه: الگوی اسلامی، ابزار پیشرفت، توحید، تقوا، خودکنترلی، انذار، مسئولیت‌شناسی

مقدمه

اسلامیت الگوی پیشرفت در گرو التزام به باورهای دینی است. در واقع نظام باورها - در صورتی که آمیخته به خرافات و عادات نباشد - به بخش اسلامی الگو معنا می‌دهد؛ گوهر این معنا چیزی جز «توحید» یعنی یکتاشناسی و یکتاباوری و یکتاپرستی نیست زیرا

اولاً: سازمان تعالیم قرآن - به عنوان اصلی‌ترین منبع برای شناخت اسلام - همچون هرمی چندضلعی است که در رأس آن کلمه طیبه «لا اله الا الله» قرار دارد به گونه‌ای که همه معارف این کتاب در عرصه جهان بینی و شناخت‌ها، عقاید و گرایش‌ها، تکالیف و منش‌ها جملگی از رأس هرم معنا و مبنا می‌گیرند. بلکه (از نگاهی دیگر) می‌توان تمام آیات قرآن را به دو گروه عمده بر پایه «توحید» تقسیم کرد: الف: آیات درباره اوصاف و اسمای خداوند (مانند سوره توحید، آیات آخر سوره حشر و ...) ب: آیات درباره شرح مناسبات حق تعالی با نظام آفرینش؛ اعم از نظام تکوین و تشریح، غیب و شهود، ملک و ملکوت و ... بنابراین همه تعالیم وحی برای درک و باور به «توحید» نظری (یکتاشناسی) و عملی (یکتاپرستی) است.

ثانیاً: مدار اصلی و هسته مرکزی رسالت همه انبیا نیز چیزی جز دعوت به توحید و التزام به لوازم آن نبوده است؛

*استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی.

** دانشجوی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

قرآن کریم در آیات متعدد با تعبیری واحد چنین خبر می‌دهد: انبیا از جمله حضرت نوح، شعیب، صالح، هود با یک منطق به تمام انسان‌ها گفته‌اند: { ... یا قوم اَعْبُدُوا اللَّهَ... } (نک: مؤمنون / ۳۲، اعراف / ۷۳ و ۸۵، هود / ۵۰، ۶۱ و ۸۴) فرایند این دعوت در کلام زیبا و ژرف امام علی (ع) انعکاس یافته است (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه اول) حاصل آن که گوهر تعالیم قرآن و در پی آن تعالیم سنت - به عنوان شارح قرآن - و نیز اساس رسالت انبیا «توحید» است و هرگز نمی‌توان آن را در تدوین و اجرای الگوی اسلامی پیشرفت نادیده گرفت یا کم رنگ دید. نکته اساسی در این جا این است که چگونه می‌توان در شرایط کنونی از این آموزه برای الگوی پیشرفت بهره گرفت.

طرح مسئله

یکی از آسیب‌های جدی در جامعه دینی امروز نسبت به آموزه توحید، غفلت از «توحید ربوبی» است افراد جامعه به دلایلی گمان می‌برند - یا دست کم رفتارهای آنان چنین نشان می‌دهد - که رب العالمین یا همان مالک مدبر آفرینش^۱ در دور دست‌هاست یا از نیت‌ها و رفتارهای انسان غافل شده و برای کیفر و پاداش - در ابعاد گوناگون آن - عاجز مانده است با آن که او حاضر و ناظر، بصیر و تواناست و هر لحظه نظام هستی را با اراده حکیمانه خود اداره می‌کند و هیچ مانعی در برابر اراده او نیست. به تعبیر قرآن - به طور نمونه - اگر بخواهد هم اکنون سفره همگان را از صفحه زمین برچیده و نسل دیگری را جایگزین می‌کند (انعام / ۱۳۳) و اگر بخواهد در همین لحظه فروغ چشم‌ها را می‌ستاند (یس / ۶۶) و ... بنابراین، اگر فرصت می‌دهد به دلیل رحمت و حکمت اوست که باید آنها را دریافت.

غفلت جامعه دینی از حضور ربوبی خدا، اجرای برنامه الگوی اسلامی ایرانی - به وصف اسلامی‌اش - را غیر ممکن می‌سازد و یا به انحراف می‌برد. چون چه بسا بتوان جامعه‌ای را با اهرم‌های وطن‌دوستی، رونق زندگی، دستیابی به امکانات و رفاه کامل، رقابت با دیگر ملت‌ها و... تحریک کرد تا مسئولیت‌های خود را انجام دهند و به پیشرفت نایل آیند؛ اما این عوامل در قاموس الگوی اسلامی پیشرفت، بدون همسویی با باورهای دینی، نوعی انحراف از الگوی مدنظر است. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که به مشکل اساسی جامعه امروز را بیش تر باید در «تخواستن» دید تا «ندانستن». به همین رو، هر برنامه‌ای که تدوین و ابلاغ می‌شود به دلیل همین بی‌مسئولیتی که ریشه در نخواستن دارد به ضد خود مبدل می‌گردد. اکنون پرسش این جاست که چگونه می‌توان مسئولیت‌شناسی و مسئولیت پذیری را بر مبنای تعالیم دینی - که گفتیم اساس آن توحیدشناسی و توحیدباوری است - در جامعه دینی امروز برای رسیدن به پیشرفت مدنظر ایجاد و نهادینه کرد؟

اهرم‌های تحریکی انذار و تبشیر مبتنی بر توحیدباوری

برای درمان مشکل (بیماری) بی‌مسئولیتی و مسئولیت‌گریزی در جامعه دینی باید آموزه «تقوا الله» احیا شود. با این تعبیر برخاسته از متن دین می‌توان از یک سو در افراد جامعه «خودکنترلی» پدید آورد و از سوی دیگر اسلامیت‌الگو را به دلیل اضافه «تقوا» به «الله» حفظ کرد. بحث درباره آموزه «تقوا الله» به دلیل مسائل گوناگون آن بسی گسترده است. (برای توضیح بیشتر درباره اصطلاح تقوا الله ر.ک: شهید مطهری، بی تا، بخش تقوا؛ نجارزادگان، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۱-۱۱۵) ابتدا ناگزیریم درنگی کوتاه در این تعبیر کنیم تا به پرسش مورد نظر رسیدیم؛ «تقوا» در برابر «فسق و فجور» (نک، سوره مائده آیه ۱۰۸، سوره ص آیه ۲۸ و سوره شمس آیه ۸) که به معنای خروج از حریم

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

و دریدن مرز است به معنای بازدارندگی و حریم بانی است به تعبیر امام علی (ع) که می‌فرماید: «إِنَّ التَّقْوَى الْيَوْمَ الْحَرْزُ وَالْجَنَّةُ...؛ همانا تقوا برای انسان در زندگی دنیا به منزله حصار و سپر است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱). این مفهوم با سه عامل «آسیب‌زا»، «آسیب‌پذیر» و «فعال‌ساز» مرتبط است که به آن معنا می‌دهند. «عامل آسیب‌زای درونی نفس اماره است و عوامل بیرونی شامل وسوسه‌های شیطان، جاذبه‌های دنیا محیط نامساعد خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و... است. چون این عوامل همه جا حضور دارند پس، هیچ کسی در هیچ شرایطی از این نیروی بازدارنده بی‌نیاز نیست، نیرویی که به تعبیر امام علی (ع) جایگزین و جانشین ندارد: «التَّقْوَى لَاعْوَضَ عَنْهُ وَلَا خَلْفَ فِيهِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱ ش، ج ۱۴، ص ۶۹۸۶) به همین دلیل «تقوا» در همه جا و همه وقت و در همه مراتب و منازل سیر و سلوک و در تمام ابعاد زندگی اجتناب‌ناپذیر است. مانند تقوای علمی، عبادی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، اخلاقی، هنری، تقوای چشم، گوش و همه حواس و اعضا و... بلکه در شرایطی که خطر تهدید بیش‌تر است، نیازمندی به این نیرو فزونی می‌یابد. «عامل آسیب‌پذیر» سرمایه‌های تکوینی (مانند عقل و اندیشه، فطرت و سرشت، احساسات و عواطف، قوای بدنی و حواس و...) و سرمایه‌های اکتسابی (مانند ایمان، اعمال صالح، منش‌های مثبت و...) است و «عامل فعال‌ساز» از یک سو هوشیاری و درک شرایط خطر و تهدید و از سوی دیگر اراده است. عواملی که اراده را بر می‌انگیزد به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: عوامل و انگیزه‌های دنیوی مانند کسب و جاهت در نظر دیگران و ستایش آنان و... و عوامل معنوی یا اخروی که در دو گروه عمده «بیم و انذار» از کیفی‌های خدا در ابعاد گوناگون آن و «مژده و تبشیر» به پاداش‌های خدا در اشکال متنوع آن تقسیم می‌شوند. (از این جاست که می‌توان به یکی از نقش‌های کاربردی تهدید و نیز به عمق اصطلاح «تقوا» و اضافه آن به «الله» پی برد) بیم و مژده از دریافت‌های عقل فطری است چون هر انسان عاقلی - بدون استثنا و بدون آن که کسی به او یاد دهد - از زجر و رنج، وحشت رسوایی و ترس از کیفرگریخته و از آنها بیم دارد. باز هر انسان عاقلی بدون فراگیری به مهر و عفو، و لطف و پاداش اشتیاق دارد و از اجرای آنها مژده می‌طلبد.

در این جا ابتدا مروری بر نقش وحی در این دریافت عقل فطری خواهیم داشت و سپس با توجه به نقش پررنگ اهرم انذار از کیفر خدا در تحریک تقوا متناسب با شرایط کنونی جامعه ما، این آموزه را شرح و راه کار اجرایی آن را بیان می‌کنیم. لازم به ذکر است مقالاتی که تاکنون درباره انذار و تبشیر نگاشته شده؛ آن را از منظر نظریه کارگفت بررسی کرده یا رویکردی تربیتی بدان داشته‌اند (همانند مقالات: تحلیل ساختار کارگفت در قرآن کریم، دل افکار، علی رضا و دیگران / مطالعه موردی برخی آیات بشارت دهنده در قرآن کریم از منظر نظریه زبانی کارگفت، نامداری، اسما / انذار از روش تا اصل تربیتی، یونسی، حمدرضا؛ دیالمه، نیکو / رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشیر، صادق زاده، علی رضا؛ بناهان، مریم / جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران «نگرش قرآنی»، شاملی، عباس و...) که گرچه در نوع خود حائز اهمیت است اما تبیین نقش این اهرم‌ها در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تلاش برای ارائه راهکارهایی به منظور نهادینه سازی آن در جامعه - که مبتنی بر تعیین فاصله با این هشدارها است - مورد توجه آنها نبوده است.

نقش وحی در ادراک عقلی بیم و انذار

بشترین کفر است الگوی اسلامی ایرانی؛ مشرف؛ الگوی مشرف؛ پشیمان؛ چالش با الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

وحی در این زمینه چند نقش را ایفا می‌کند:

الف: تأیید و تأکید. از نظر وحی، خداوند این دریافت‌ها را به صورت تکوینی در وجود همه انسان‌ها قرار داد تا در فرآیند کمال آنان به کار آیند؛ چون هرگز نمی‌توان برای دستیابی به نجات و رسیدن به کمال به «آگاهی و دانستن» اکتفا کرد بلکه «اهتمام و خواستن» نیز ضرورت دارد. بدینسان همه انسان‌ها در هر صنف و رتبه به اهرم بیم و مزده نیازمندند تا اراده‌هایشان برانگیخته شود انبیای الهی نیز تنها برای آگاه ساختن انسان‌ها نیامدند بلکه اساساً مبعوث شدند تا «بشیر و نذیر» باشند قرآن می‌فرماید: «ما پیامبران را جز بشارت دهنده و اخطارکننده نفرستادیم» (کهف / ۵۶)

ب: تکمیل و توسعه. نقش وحی در این زمینه، تکمیل ادراکات عقل با شرح ابعاد و مراتب انذار و تبشیر و نیز بیان شرایط و موجبات رحمت و غضب خداوند است.

ج: هدایت و تصحیح. نقش اساسی دیگر وحی هدایت و جهت دهی این دریافت‌ها به واقعیت‌ها همراه با تصحیح خطاهاست؛ چون چه بسا انسان در مصادیق بیم و مزده اش - مانند دیگر مصادیق از دریافت درونی اش - خطا رود و از اموری بترسد و یا به چیزهایی دل بندد که یا زودگذر است و یا اساساً حقیقت ندارد. همانند آب نما (سراب) که تشنه از آن مزده می‌طلبد و یا آتش نما که از آن می‌هراسد در حالی که آندو پنداری بیش نیست.^۲

اهرم انذار و نقش کاربردی آن در تحریک و تقویت نیروی تقوا

هرچند بیم از قهر و کیفرهای خدا و مزده به مهر و پاداش‌های او دو اهرم نیرومند برای به حرکت درآوردن نیروی تقواست که همگان به آن ملهم هستند (سوره شمس آیه ۸) اما اهرم بیم به ویژه در شرایط کنونی جامعه ما از چند نظر کارآمدتر است. اولاً: همگانی است؛ چون چه بسا افرادی، مسئولیت‌های خود را به شوق پاداش انجام ندهند و به تعبیر رایج از خیر پاداش بگذرند اما همگان از خوف کیفر به تکالیف خویش تن می‌دهند. ثانیاً: غفلت زداست؛ بیم و انذار مایه بیداری و نجات از غفلت‌اند هرچند اشتیاق نیز چنین اثری را خواهد داشت اما با انذار می‌توان غفلت‌های پرنرنگ را زود و انسان را برای نجاتش مهیا ساخت. ثالثاً: زود بازده است؛ انسان‌ها با اهرم انذار زودتر اثر می‌پذیرند تا با اهرم پاداش؛ زیرا بیم از خواری و کیفر، آدمی را به چاره اندیشی زود هنگام وامی‌دارد. رابعاً: بازدارنده‌است؛ انسان در برابر هجوم‌های پی در پی شیطان و نفس اماره، به عامل انذار نیازمندتر از عامل تشویق است چون با این عامل، خود را از سقوط به دام‌های شیطان باز می‌دارد و در برابر این تهاجم‌ها مقاومت می‌کند.

گویی به همین روست که قرآن درباره هیچ پیامبری نمی‌فرماید «او فقط مزده دهنده است» اما تعبیر «او فقط بیم دهنده است» را در اشکال گوناگون به کار برده است. مانند این آیات که می‌فرماید: {إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ} (هود/۱۲) «تو فقط بیم دهنده‌ای»؛ {إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ} (اعراف/۱۸۴) «او جز بیم دهنده آشکار نیست»؛ (و نیز نک: سوره ص / ۶۵، حج / ۴۹) قرآن در این آیه نیز می‌فرماید: {فَقَرِّبُوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ} (ذاریات/۵) «به سوی [مهر] خداوند [از قهر او] بگریزید همانا من از جانب او برای شما بیم دهنده آشکارم» امیرمؤمنان (ع) نیز می‌فرماید: «فاتقوا الله عبادا لله و فرّوا إلى الله من الله و امضوا في الذی نَهَجَه لکم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴) «پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید و از [قهر] خدا به سوی [مهر] خدا فرار کنید و از راهی که به سوی شما گشوده بروید.» نکته

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی مشرف؛ الگوی مشرف؛ پشیمان، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کلیدی این است که از این انذارها بترسیم.

گونه‌های انذار در تعالیم قرآن متنوعند و هر کدام به سهم خود عاملی برای تحریک «تقوا الله» به شمار می‌آیند. بر این اساس پس از ذکر این گونه‌ها، راهکارهای اجرا و کاربردی سازی آن‌ها بیان می‌شود.

یک: هشدار به پندارزدگان - قرآن کریم به کسانی که به پندار گرفتار آمده‌اند و حقایق را نادیده می‌گیرند هشدار می‌دهد، شاید از این پندارها بدر آیند و خود را از کیفر و عذاب ابدی بازدارند. آنان گمان می‌برند «خداوند از آنان بی‌خبر است»، «بر خداوند پیشی گرفته‌اند»، «حیات و زندگیشان با اهل دیانت یکسان است» و... غافل از این که این‌ها نابخردی و خیالپردازی است، و در واقع سرابی بیش نیست. قرآن می‌فرماید: {أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ} (عنکبوت/۴) «آیا آنان که مرتکب بدی‌ها می‌شوند گمان کرده‌اند بر ما پیشی گرفته و ما را ناتوان ساخته‌اند؟ آنان بد داوری می‌کنند» در آیه دیگر می‌فرماید: {وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ} (ابراهیم/۴۲) «و تو ای انسان! مپندار که خدا از آن چه ستمکاران انجام می‌دهند، بی‌خبر است، جز این نیست که کیفر آنان را تا روزی که چشم‌ها از ترس خیره می‌شود به تأخیر می‌افکند» و بالاخره در آیه دیگر که به قلمرو گسترده‌تری نظر افکنده می‌فرماید: {أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ} (جاثیه/۲۱) «آیا کسانی که مرتکب کارهای ناروا شده‌اند، پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به گونه‌ای که زندگی و مرگشان با زندگی و مرگ آنان یکسان باشد؟ بد داوری می‌کنند».

دو: هشدار به وقوع تنبیه در دنیا - قرآن کریم به افرادی که پیام وحی و فطرت را نادیده می‌گیرند هشدار می‌دهد که در همین دنیا به زجر و رنج مبتلا خواهند شد تا شاید با تازیانۀ کیفر بیدار شوند و تقوای خود را فعال کنند. قرآن می‌فرماید: {وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلْوَنِ ذُوقًا لِّعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} (سجده/۲۱) «قطعاً آنان را پیش از آن که در روز قیامت به عذاب بزرگ‌تر گرفتار سازیم، از رنج‌ها و مشقت‌های دنیوی که عذاب نزدیک‌تر است می‌چشانیم، شاید به خداپرستی بازگردند و از انکار آخرت باز ایستند» این گوشمالی نوعی رحمت است و از سنت‌های حقتعالی به شمار می‌آید. باز قرآن می‌فرماید: {وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ} (انعام/۴۲) «همانا پیش از تو نیز پیامبرانی را به سوی امت‌هایی به رسالت فرستادیم [ولی آنان ایمان نیاوردند] از این رو، آنان را به گزند و محنت گرفتار کردیم، باشد که در برابر خداوند فروتنی کنند و او را بخوانند».

نمونه این گوشمالی رنج و گزندی است که خداوند، فرعونیان را به آن گرفتار کرد و فرمود: {... وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} (زخرف/۴۸) هرچند قوم فرعون و نوعاً همه اقوام دیگر، جز قوم یونس پیام این رنج‌ها را دریافت نکردند و از پرده غفلت درنیامدند تا عذابی دیگر سرسید و طومار زندگی آنان را درهم پیچید. قرآن در این زمینه می‌فرماید: {وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ} (مؤمنون/۷۶) «به یقین ما آنان را به رنج قحطی و تنگی معیشت گرفتار ساختیم؛ ولی نه در برابر پروردگارشان فروتنی کردند و نه در پیشگاه او تضرع کردند».

سه: هشدار نسبت به کیفرهای نابودکننده در دنیا - این نوع کیفرها هر دم ممکن است دامنگیر تبهکاران بی‌تقوا شود و بساط زندگی دنیایی‌اشان را به کلی برچینند. قرآن در آیاتی متعدد نسبت به وقوع این نوع از کیفرهای

بشترین کفر اس الگوی اسلامی ایرانی: شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش؛ و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

زود هنگام در همین دنیا، هشدار داده است. هر چند هرگز این کیفرها جایگزین کیفر ابدی در عالم آخرت نخواهد بود. از جمله قرآن می‌فرماید: {أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ} * أمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ ... أَمِنَ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ { (ملک/۲۱-۱۶) «آیا شما [که ربوبیت خدا را بر جهان هستی انکار می‌کنید] از آن [فرشتگانی] که در آسمانند ایمنید که زمین را بشکافد و شما را در آن فرو برد، پس ناگاه زمین به لرزه درآید؟ آیا از آنان که در آسمانند، ایمنید که بر شما تندبادی بفرستد که سنگبارانتان کند؟ به زودی خواهید دانست که هشدار من چگونه است... بلکه کیست آن کس که گفته می‌شود اگر خدا رزقش را از شما بازدارد او به شما روزی می‌دهد؟ [آنان خود می‌دانند که چنین کسی وجود ندارد] بلکه همچنان در سرکشی و گریز از حق فرو رفته‌اند».

قرآن، در آیات سوره نحل نیز گونه‌های دیگری از این نوع اخطار را بر شمرده و به آنان که حيله کنان مرتکب کارهای ناروا شده و گناهان را طراحی و اجرا می‌کنند چنین نهيي می‌زند: «آیا آنان که حيله کنان مرتکب کارهای ناروا می‌شوند، ایمنند از این که خداوند زمین را بشکافد و آنان را در آن فرو برد یا عذاب از جایی که تصورش را نمی‌کنند به سراغشان آید * یا خدا آنان را در حال برخورداری از نعمت‌های گوناگون به عذاب فرو گیرد؟ پس آنان نمی‌توانند خدا را ناتوان کند * یا آن که آنان را دچار عذابی کند که از آن بترسند و به توبه روی آورند؟ به یقین خداوند شما رؤوف و مهربان است». (نحل/۴۷-۴۵)

این کیفرها در درون خود بزرگ و ناگوار، خوارکننده و نابهنگام است؛ عذرها را فرو می‌نشانند و دادرسی در میان نخواهد بود؛ هر چند هرگز این عذاب‌ها با این اوصاف، با عذاب ابدی، خوارکننده و دردناک عالم آخرت، قابل مقایسه نیست. قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید: {كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ} * فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ { (زمر/۲۶-۲۵)

خداوند در کتاب خود، نمونه‌هایی فراوان از این نوع هشدارها و در پی آن برچیدن طومار زندگی در اقوام پیشین گزارش داد و آن را مایه عبرت و بیداری امت‌های بعدی دانسته است. از جمله در سوره قمر در طی گزارش‌هایی چند آموزه کلیدی را بیان می‌دارد. **اولاً:** می‌فرماید: ما برخی از آثار آنان را، باقی گذاشتیم تا دلیل و نشانه‌ای برای عبرت گیرندگان باشد سپس می‌پرسد: {فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ} (قمر/۱۵) «پس آیا کسی هست که متذکر شود و درستی تهدیدها را دریابد»، **ثانیاً:** در پایان هر کدام از چهار داستان (قوم نوح، عاد، ثمود و لوط) می‌فرماید: {وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ} (قمر/۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰) «همانا ما معارف قرآن را برای فراگیری آسان کردیم، پس آیا کسی هست که از غفلت درآید و بیدار شود؟!»، **ثالثاً:** در پایان برخی از این سرگذشت‌ها این آیه را تکرار می‌کند: {فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي} (قمر/۱۶، ۲۱ و ۳۰) «پس آیا دانستید عذاب و هشدارهای من چگونه بود؟ آیا عذاب من سخت نبود؟ آیا هشدارهایم راست و درست نبود؟» این آیات در قالب پرسش با آهنگی تند سخن می‌گویند، چون اقتضای خطاب، اخطار و بیدار باش است. **رابعاً:** این عذاب‌ها را نسبت به وعده گاه رستاخیز، بسی ملایم‌تر می‌نامد و می‌فرماید: {بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ السَّاعَةُ أَدْهَى وَ أَمْرٌ} (قمر/۴۶) «بلکه وعده گاهشان رستاخیز است، و رستاخیز از هر بلایی سخت‌تر و از هر ناگواری تلخ‌تر است» و سپس از پاره‌ای از عذاب‌های مجرمین در دوزخ پرده برمی‌دارد.

هشتین کتیرانس الگوی اسلامی ایرانی: مشرف؛ الگوی مشرف؛ پشیران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

چهار: هشدار نسبت به کیفرهای دوزخ بیم و تهدید از عذاب‌های دوزخ بسی کارآمد از تهدیدهای دیگر است و نیروی بازدارنده «تقوا» را فعال تر می‌کند. دوزخ پایانه کیفرها (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷)، کمین‌گاه طغیان‌گران و منزلگاه شقاوت‌مندان است (نبأ / ۲۱ و ۲۲) قرآن از دوزخ با نام‌های گوناگون یاد کرده که هر نام کیفر خاصی آن را نشان می‌دهد. اما بیش تر آنها «جهنم» است که ۷۷ بار به کار رفته است. دوزخ دارای عقل و شعور و ادراک است؛ همین که از راه دور دوزخیان را ببیند خروش برآورده هم چون موجودی درنده خرناس می‌کشد و آماده پذیرایی آنان می‌گردد. قرآن می‌فرماید: «چون آتش دوزخ کافران را از مکانی دور بنگرد، خشم گیرد و فروزنده تر شود و آنان فریاد خشم و خروش آن را می‌شنوند». (فرقان / ۱۲)

تصور کیفر دوزخ برای ما امکان پذیر نیست چون نمی‌توان اوصاف دوزخ و عذاب‌های آن را با زندگی دنیایی و کیفرها و رنج‌های آن مقایسه کرد. هیچ نمونه‌ای از شرایط دوزخ، ابعاد کیفرهای آن، اوصاف روحی و جسمی دوزخیان و ... در این دنیا نمی‌توان بدست داد؛ هر چند سرچشمه کیفرهای جهنم از همین دنیاست و عذاب قیامت جدا از نفس انسان و اعمال او نیست. به عبارت دیگر، این گونه کیفرها تکوینی و قهری است که از ناحیه خود انسان دامنگیر او شده و آن را بر می‌فرورد یعنی: این خود آدمی است که هیزم دوزخ می‌شود (جن / ۱۵) و در آتشی که با اعمالش فراهم آورده، می‌سوزد. اوصاف روحی دوزخیان نیز باطن رذایل آنان در همین دنیاست. قرآن می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (عنکبوت / ۵۵)؛ «هر کس بدی آورد، به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شود. او به وی گفته می‌شود [آیا جز آن چه می‌کردید، سزا داده می‌شوید؟]». در این آیه کیفر دوزخ را همان اعمال و رفتارهای انسان می‌داند که در آن سرا ظهور و بروز می‌کند. عذاب‌های دوزخ را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:

عذاب‌های جسمی: دوزخ دارای درهای مختلف (حجر / ۴۴؛ و نیز نک: ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۸۸ ح ۲۹۰۵) و درکات متفاوت است (غافر / ۶۰) و ورود انسان‌ها به آن که با خفت و خواری صورت می‌گیرد (نمل / ۹۰؛ آل عمران / ۱۹۲) به یک شکل نیست؛ به طور نمونه برخی با صورت در آن می‌افتند. (عنکبوت/۵۵)

عذاب دوزخ از بالا و پایین وجود انسان را احاطه می‌کند (همزه / ۷) و آتش آن بر جان می‌افتد؛ اما هیچ راهی برای تخفیف عذاب در آن نیست (غافر / ۴۹ و ۵۰) و فریاد دوزخیان برای نجات و تمنای بازگشت آنان برای جبران گذشته، راه به جایی نمی‌برد (فاطر / ۳۶ و ۳۷) بلکه مرگ از هرسو آنان را احاطه می‌کند بدون آن که به حیاتشان پایان دهد (ابراهیم / ۱۷) به همین رو، تا ابد در بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زنند. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرماً فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى﴾ (طه / ۷۴)؛ «همانا، هر کس مجرم نزد پروردگارش آید، برای او دوزخ است که در آن نه می‌میرد و نه زندگانی می‌یابد». دوزخیان بسته در غل و زنجیر در مکانی تنگ و تاریک می‌افتند و می‌سوزند. باز قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَاناً ضِيقاً مُقَرَّنِينَ دَعَا هُنَالِكَ ثُبُوراً﴾ (فرقان / ۱۳)؛ «و چون آنان [کافران] را در زنجیر بسته به مکان تنگی از دوزخ درافکنند در آن حال همه فریاد واویلا از دل برکشند ...».

خوراک و نوشیدنی دوزخیان نیز بر این عذاب می‌افزاید: «آری درخت زقوم * خوراک گناه‌پیشه است * چون مس گذاخته در شکم‌ها می‌گدازد * همانند جوشش آب جوشان * او را بگیرد و به میان دوزخش بکشانید * آن گاه از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزد * او با تمسخر به وی می‌گوید [بچش که تو همان ارجمند بزرگواری] * این

بشترین کفر است الگوی اسلامی ایرانی میثرت؛ الگوی میثرت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

است همان چیزی که درباره آن تردید می کردید». (دخان / ۴۳ - ۵۱)

قرآن در آیاتی دیگر، نوشیدنی دوزخیان را آبی چرکین می داند که آن را جرعه جرعه می نوشند و نمی توانند فرو برند (ابراهیم / ۱۶ و ۱۷)؛ خوراک آنان نیز خار خشک است که نه فربه می کند و نه از گرسنگی باز می دارد. (غاشیه / ۶ و

۷) امیر مؤمنان علی (ع) در ترسیم گوشه‌ای از اوصاف دوزخ و دوزخیان می فرماید:

«اما اهل معصیت را در بدترین جای (دوزخ) وارد سازد. و دست‌ها را با غل به گردن ببندد و موهای پیشانی‌شان را به قدم‌ها پیوسته گرداند، بر آنان جامه قَطِران (روغنی بسیار بد بو) و پاره آتش‌های سوزان، بپوشاند. در عذابی که سخت‌گذازنده است و در خانه‌ای که در آن بر روی ساکنانش بسته باشد. در آتشی زبانه زن و غُرّنده با زبانه‌ای سوزان و آوایی ترسان، آن کس که در آن است از آن آتش بیرون نرود و اسیر و گرفتار آن با فدیة نتواند نجات یابد. غل‌ها و بندهای آن شکسته نمی شود. مدتی برای آن نیست تا سر رسد و زمانی معین برای ساکن آن نمی باشد تا بسر آید». (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

امام سجاد (ع) در این باره نیز چنین می فرماید:

«پروردگار من! از آن آتش شعله‌ور دوزخ که برای کیفر گناه‌کاران زبانه همی کشد به تو پناه می آورم و از آن وحشت‌کنده که آتشش به جای روشنایی، تاریکی و ظلمت بر می‌انگیزد و دردناک است و با همه دوری، لهیب سوزنده‌اش نزدیک نماید و به هم برآشوبد و استخوان بگدازد و جز حمیم آبی ننوشاند و جز زجر و رنج نوازشی نشان ندهد و بر گرفتاران تیره بختش رحمت نیاورد و عطفوت ننماید و یک دم از فشار و دمار سبک نگردد و همواره بر عقوبت و عذاب بیفزاید، به سوی تو همی‌گریزم. ما را از آن کژدم‌های جان‌گداز و مارهای زهرگشا و آبی که روده‌ها را بگسلاند و قلب‌ها را بذرک، جز رحمت و رأفت تو پناهی نیست». (صحیفه سجادیه، دعای ۳۲)

عذاب‌های روحی: آیات قرآن درباره کیفر روحی و عقلی دوزخیان چند دسته‌اند که بخشی از آنها بدین شرح است:

الف) تحقیر دوزخیان؛ آن هنگام که با زبان طعن به آنان گفته می‌شود: {ذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا} (نبأ / ۳۰)؛ «بچشید که ما جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم» یا چون دوزخیان پس از مدتی که شدیدترین عذاب و شکنجه را به جان خریدند به ستوه آمده لب به لابه می‌گشایند و می‌گویند: {رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ} (مؤمنون / ۱۰۷)؛ «پروردگارا! ما را از این جا بیرون بر، پس اگر باز هم به بدی بازگشتیم در آن صورت ستمگر خواهیم بود» در پاسخ آنان گفته می‌شود: {قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ} (مؤمنون / ۱۰۸)؛ «خداوند می‌گوید: دور شوید و با من سخن نگویند» واژه «إخسئوا» برای راندن و دور کردن حیوان به کار می‌رود. این تحقیرها غیر از ماهیت خود دوزخ است که هر که در آن داخل شود خوار و خفیف می‌گردد. قرآن این حقیقت را از زبان خردمندان چنین بازگو فرمود: {رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَيْتَهُ ...} (آل عمران / ۱۹۲)؛ «پروردگارا! همانا تو هر کسی را به آتش درآوری او را خفیف و خوار ساخته‌ای» افزون بر آن نفس عذاب دوزخ، «مُهین و هُون: خوار کننده» است.

ب) بازگرداندن دوزخیان؛ چون دوزخیان پس از مدتی عذاب، به خیال خام خود می‌خواهند از دوزخ بیرون روند و نجات یابند، به آنان گفته می‌شود: باز گردید، غم و اندوه جانکاهتان پایان نیافته و عذاب سوزان را بچشید، قرآن می‌فرماید: {كَلَّمَا أَرَاؤُا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ} (حج / ۲۲)؛ «هر گاه می‌خواهند از

بشترین کتفراس الگوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش؛ الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

غم آن بیرون روند، در آن بازگردانده می‌شوند و [به آنان] گفته می‌شود [باز هم] عذاب سوزان را بچشید».

ج) گفت و گوی دوزخیان و بهشتیان؛ این گفت و گو صحنه‌ای غمبار و سرزنش‌آمیز را برای دوزخیان به وجود می‌آورد به ویژه آن گاه که از جانب مؤذنی مورد ملامت و لعنت قرار گیرند. قرآن در این آیه شریفه می‌فرماید: {و نادى أصحاب الجنة أصحاب النار أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً قالوا نعم فأذن مؤذناً بينهم أن لعنة الله على الظالمين} (اعراف / ۴۴)؛ «بهشتیان دوزخیان را آواز دهند و گویند: ما آن چه را پروردگارمان به ما وعده داده بود دست یافتیم، آیا شما نیز آن را که وعید پروردگارتان بود، راست و درست یافتید؟ می‌گویند: آری. پس در این هنگام آواز دهنده‌ای میان آنان آواز سر می‌دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد».^۴

د) آتش دوزخ بر قلب و جان؛ این آتش قلب دوزخی را می‌گدازد که چه بسا دهشتناک‌تر از عذاب‌های جسمانی است؛ قرآن می‌فرماید: {نار الله الموقدة التي تطلع على الأفئدة} (همزه / ۶ - ۷) «آتش برافروخته خداست که بر دل‌ها چیره می‌شود و جان آدمیان را می‌سوزاند» افئدة جمع فؤاد به معنای قلب است و منظور از قلب در قرآن خاستگاه ادراک و اندیشه، یعنی: همان نفس انسان می‌باشد. بنابراین، این نوع عذاب، عذاب عقلی و در برابر این است که انسان در دنیا از خرد و عقل، یعنی پیامبر درون، اعراض کرده است. دوزخیان نیز به این حقیقت اعتراف کرده می‌گویند: «اگر نسبت به پیام‌های انبیا گوش شنوا داشتیم یا از سرمایه خرد سود جسته بودیم، اکنون در میان دوزخ نبودیم».

(مُلک / ۱۰ و ۱۱)

زوایای منزلگاه شقاوت‌مندان و اوصاف روحی آنان در آیات و روایات، بسی گسترده و طولانی است و مجال طرح آن در این جا نیست. (برای نمونه، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۷، ص ۲۳۲ و ج ۱۸، ص ۱۳۰) برای انسان همین بس که باور کند قرآن کریم از سر صدق او را از عذاب این منزلگاه بیم داده و آن را نزدیک دیده و فرموده است: {إنا أنذرناكم عذاباً قريباً...} (نبا / ۴۰)؛ «به یقین، ما شما را از عذابی نزدیک، بیم داده‌ایم...»

تعیین فاصله ما با هشدارها

اکنون آن چه که باید در جست و جوی آن بود، برنامه‌ریزی برای رساندن این هشدارها به گوش افراد در جامعه دینی ماست به گونه که آنها را باور کنند تا نیروی تقوای آنان تحریک شود و خودکنترلی الهی پدید آید یکی از راه کارها برای این امر شناساندن فاصله‌ها با هشدارهاست که باید در هر کدام از چهار محور یاد شده اندازه‌گیری و بیان شود.

الف: در محور نخست (اخطار قرآن به پندارزدگان) باید توجه داشت این فاصله با انسان زیاد نیست، چون گناهان پی در پی دل را میرانده و به تدریج انسان را دچار خیال پردازی می‌کند و از حقایق هستی غافل می‌سازد. در این جاست که آدمی گمان می‌برد چون به او فرصت داده اند، از کیفر او گذشته اند، بلکه چنین می‌پندارد که از تیرس کیفر گریخته و خداوند را پشت سر گذاشته است؛ غافل از این که این فرصت‌ها، از سر مهر است و می‌تواند انسان را به بازگشت و جبران گذشته فرا خواند تا به کیفر سخت‌تر و جانکاه‌تر ابدی دچار نگردد. چه این که گاهی این فرصت‌ها نوعی حيله است که خداوند به کار می‌برد تا معصیت‌ها به سطح انبوه برسد و بر طغیانگری‌ها افزوده شود و حجت نیز تمام گردد. در این صورت تنها راه علاج آن عذاب ابدی است. خداوند درباره کسانی که آیات را دروغ می‌پندارند

بشترین کفرانس الگویی اسلامی ایرانی: مشرف؛ الگویی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

می‌فرماید: {وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ} (اعراف/۱۸۳) «به آنان مهلت می‌دهم و این کید من با آنان است، به راستی کید من استوار است» در آیه دیگر درباره کافران می‌فرماید: {وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْمَّا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَّا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ} (آل عمران/۱۷۸) «و کسانی که کفر می‌ورزند مپندارند که مهلتی که به آنان می‌دهیم برای ایشان خیر است. ما فقط به آنان مهلت می‌دهیم تا گناهی بیفزایند و برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود».

آن چه باید در اندازه‌گیری این فاصله مورد توجه جدی واقع گردد، این است که امکان دارد فرجام زشتی‌ها به تکذیب و استهزای آیات خدا بینجامد که نقطه بحران است و موقعیت کاملاً خطرناکی را به وجود می‌آورد. قرآن در این باره می‌فرماید: {ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ} (روم/۱۰) «آری فرجام کسانی که مرتکب زشتی‌ها شدند و بد کردند، تکذیب و استهزای آیات خدا بود».

امام سجاد(ع) در این زمینه می‌فرماید: «شیوه پروردگاری تو نیکی کردن به بدکاران است و طریقت مهربان بودن با تجاوزکاران؛ تا آن جا که مدارا کردن تو آنان را مغرور ساخته تا به درگاه تو باز نگردند و مهلت دادنت، آنان را از باز ایستادن از گناه بازداشته است، همانا در کیفر آنان شتاب نکرده‌ای تا مگر به فرمانت گردن نهند و مهلتشان داده‌ای چون به پایداری مُلک خود مطمئن هستی... هر چه عمرشان به دزارا کشد، پایه‌های فرمانروایی تو سست نگردد، و چون در کیفرشان درنگ کنی حجت آشکار تو باطل نشود. حجت تو پایدار و باطل نشدنی، و فرمانروایی‌ات جاودان و زایل نگشتنی است». (صحیفه سجادیه، دعای ۴۶)

ب: در محور دوم (هشدار به وقوع زجر و رنج در همین دنیا) فاصله با این نوع هشدارها بستگی به انجام وظایف اجتماعی جامعه دارد. پس اگر جامعه فاسد شود باید در انتظار گزند و محنتی بود که نوعاً همه افراد را درمی‌نوردد. اما اگر پیام وحی و عبرت‌های لازم از این رنج‌ها - که هشدار برای بیدار شدن و اصلاح است - دریافت شود، باید برای درمان خوی استکباری جامعه کوشید تا از عذابی که جامعه را فرو می‌بلعد و بساط حیات را درهم پیچد، جلوگیری شود.

ج: در محور سوم (هشدار به وقوع عذاب برای برچیدن بساط زندگی در همین دنیا) با بررسی سرگذشت‌هایی که قرآن گزارش داده می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اصلی عذاب «کفر»، «تکذیب» و «استکبار» است. پس، اولاً: باید هر چه پیش تر - به کمک عامل بازدارنده تقوا - بر فاصله خود با این رذایل افزود تا از ابتلا به این عوامل که به تدریج حاصل می‌شوند جلوگیری شود. گویی به همین روست که قرآن همه افراد را دعوت می‌کند تا در آثار باقیمانده گذشتگان سیر کنند و پیام‌های لازم را دریافت دارند (مانند آیات ۴۵ و ۴۶ سوره حج). زیرا تدبّر در این آثار موجب شناخت خداوند و درک حضور دایمی و حکیمانه وی برای اهل ایمان است و آنان را وامی‌دارد که از عوامل عذاب با نیروی بازدارنده تقوا حراست کرده و با اعمال خود از قهر خدا به مهر او پناه برند. و برای اهل کفر - اگر بفهمند - درسی زنده و روشن است تا بدانند خداوند در کمین تبهکاران است و از آنان غافل نیست. نکته دیگری که با سیر در این آثار به دست می‌آید این است که هرگز خداوند در این کیفرها کوچک‌ترین ظلمی به کسی نکرده و نمی‌کند بلکه آنان خودشان با کفر و عناد و استهزا نسبت به انبیا و دروغ پنداشتن وعده‌های خدا چنین سرنوشت شومی را

هشتمین کنگر اس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و بیت سوم خردادماه ۱۳۹۸

برای خود رقم زدند.

۵: در محور چهارم (هشدار قرآن درباره عدم همسانی بهشتیان و جهنمیان و نهیب آن نسبت به عذاب‌های جسمی و روحی دوزخ که نیرومندترین عامل برای تحریک تقواست) لازم است این اخطار با برنامه ریزی دقیق و گسترده در قالب‌های هنری و غیر آن به گوش افراد -بویژه افراد جامعه ایمانی- رسد. بالاخص آیاتی که به طور مستقیم مومنان را مورد خطاب قرار می‌دهد. مانند این آیه: {أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ} و نیز آیه: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ} (حشر، ۱۷ و ۱۸) آیه اول به مومنان نهیب می‌زند که فرصت‌ها با سرعت از دست می‌روند و احتمال قساوت قلب بر اثر بی‌تقوایی وجود دارد. و آیه دوم آنان را به تقوا فرامی‌خواند و باز به آنان نهیب می‌زند مواظب باشند به بیماری خودفراموشی -که بر اثر خدا فراموشی پدید می‌آید- مبتلا نشوند. چون یکی از نتایج تلخ خود فراموشی از دست دادن بهشت است. همچنان که در ادامه می‌فرماید: {لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ} (حشر، ۲۰). بر این اساس باید همه دلواپسی‌ها معطوف به از دست رفتن زمان و از دست دادن بهشت باشد و هر فردی به توشه‌ای بیندیشد که باید در این جهان برای آخرت خویش فراهم آورد. پس می‌توان از این آیات الگویی برای انذار ساخت و اهل ایمان را با شیوه‌های گوناگون به این حقیقت هوشیار کرد. افزون بر آن ضروری است با شناسایی و آموزش عواملی که موجب ورود به دوزخ می‌شود این سوال را در افراد ایجاد کرد که آیا ما به این عوامل، دچار نیستیم؟ چرا نیروی بازدارنده تقواکه از ورود به دوزخ پیشگیری می‌کند در وجود ما فعال نیست؟ مبدا به کیفی‌های سهمگین خدا دچار شویم؟

نتیجه‌گیری

اسلامیت الگوی پیشرفت در گرو التزام به باورهای دینی است که در راس آن توحید واقع شده است. نمود عملی توحید در سطح جامعه، رعایت تقوالله است که نقش پررنگی را در درمان مسئولیت‌گریزی و تحقق این الگو ایفا می‌کند. این مفهوم با سه عامل «آسیب‌زا» (نفس اماره، وسوسه‌های شیطان، جاذبه‌های دنیا محیط نامساعد خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و...)، «آسیب‌پذیر» (سرمایه‌های تکوینی -مانند عقل، فطرت، احساسات و عواطف، قوای بدنی و حواس و...- و سرمایه‌های اکتسابی -مانند ایمان، اعمال صالح، منش‌های مثبت و...-) و «فعال‌ساز» (از یک سو هوشیاری و درک شرایط خطر و تهدید و از سوی دیگر اراده) گره خورده است. به منظور تقویت و نهادینه‌سازی تقوا، توجه به عوامل فعال‌ساز (که در دو دسته کلی عوامل و انگیزه‌های دنیوی -مانند کسب و جاهت در نظر دیگران و ستایش آنان و...- و عوامل معنوی یا آخری -«بیم و انذار» از کیفی‌ها و «مژده و تبشیر» به پاداش‌های خدا- بررسی می‌شود) ضروری می‌نماید. بنظر می‌رسد کارآمدترین عامل برای تحریک تقوالله بیم و انذار است. گونه‌های انذار در تعالیم وحی در چهار محور هشدار به پندارزدگان؛ هشدار به وقوع تنبیه در دنیا؛ هشدار نسبت به کیفی‌های نابودکننده در دنیا؛ هشدار نسبت به کیفی‌های دوزخ تقسیم می‌شود که هر یک نیازمند برنامه ریزی و ترویج است تا

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی: شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش؛ و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جامعه از خطر ابتلای بدان در امان بماند. بر این اساس تعیین فاصله جامعه با این اندازها نیازمند توجه اساسی است: در محور اول باید توجه داشت این فاصله زیاد نیست، چون گناهان پی در پی دل را می‌میراند و به تدریج انسان را دچار خیال پردازی می‌کند و از حقایق هستی غافل می‌سازد. تا جایی که آدمی گمان می‌برد خداوند را پشت سر گذاشته است، غافل از این که این فرصت‌ها، از سر مهر است و می‌تواند انسان را به بازگشت و جبران گذشته فرا خواند تا به کیفر ابدی دچار نگردد. چه این که گاهی این فرصت‌ها نوعی مکر است که خداوند به کار می‌برد تا معصیت‌ها به سطح انبوه برسد و حجت نیز تمام گردد. در محور دوم فاصله با این نوع هشدارها بستگی به انجام وظایف اجتماعی جامعه دارد. پس اگر جامعه فاسد شود باید در انتظار گزند و محنتی بود که نوعاً همه افراد را درمی‌نوردد. اما اگر پیام وحی و عبرت‌های لازم از این رنج‌ها - که هشدار برای بیدار شدن و اصلاح است - دریافت شود، باید برای درمان خوی استکباری جامعه کوشید تا از عذابی که جامعه را فرو می‌بلعد و بساط حیات را درهم پیچد، جلوگیری شود. در محور سوم با بررسی سرگذشت‌هایی که قرآن گزارش داده می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اصلی عذاب «کفر»، «تکذیب» و «استکبار» است. پس باید هر چه بیش تر - به کمک عامل بازدارنده تقوا - بر فاصله خود با این رذایل افزود تا از ابتلا به این عوامل که به تدریج حاصل می‌شوند جلوگیری شود. زیرا خداوند در کمین تبهکاران است و از آنان غافل نیست. محور چهارم نیز نیازمند برنامه ریزی دقیق و گسترده‌ای برای شناخت و آموزش این هشدارها - بویژه هشدارهای قرآن به جامعه مومنان -، عوامل ورود به دوزخ در قرآن و روایات و نیز تبلیغ آن‌ها متناسب با سطوح فکری افراد است.

پی‌نوشت

۱. ربّ، صفت مشبیه از ماده «ر.ب.ب» است و از ماده «ر.ب.ی» نیست و نیز «با» در لام الفعل آن به «یا» تبدیل نشده است مفسران درباره معنای این واژه مباحث متنوعی را رقم زده اند که در مجموع می‌توان این واژه را با هتوجه به موارد کاربرد آن در قرآن، به عنای «مالک مدبر» دانست. (برای توضیح بیش تر، رک: فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۶۴۰؛ طوسی، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۳۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۹۵؛ قرطبی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۱۳۸۷؛ عاملی، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۱۲؛ بلاغی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۵۵؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۴۳)

۲. به طور نمونه، بسیاری از مردم به حیات دنیا شادمان شده تنها به آن اکتفا می‌کنند و نسبت به از دست دادن آن بیمناکند با آن که از نظر وحی این مقطع از حیات، زودگذر و موقت است. قرآن درباره گروهی از انسان‌ها می‌فرماید: (وَقَرِّحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ) (رعد/۲۶) «آنان به زندگی دنیا شادمان شدند [و به آن اکتفا کردند] در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت جز بهره‌ای اندک نیست [که سرانجام از میان خواهد رفت]» امیرمؤمنان امام علی (ع) درباره همین خطاکاران غافل از حقیقت می‌فرماید:

«شما را چه شده که با دستیابی به دنیای اندک، فرحناک و با نشاط می‌شوید ولی با از دست دادن محرومیت فراوان از عالم آخرت، محزون نمی‌گردید؟! و هرگاه متاع ناچیز دنیا را از دست دهید شما را مضطرب و پریشان می‌کند تا آن جا که آثار آن در چهره‌هایتان آشکار شده و کمی صبرتان در مورد آن چه از دست داده‌اید نمایان می‌گردد. چنان که گویی این جا سرای جاودانه شماست و کالای آن برای شما همیشگی است؟!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱)

نمونه‌ای از هراس‌های پنداری نیز درباره جمعی است که از تهدید شیطان می‌هراسند و در پی آن از انفاق در راه خدا سرباز می‌زنند. قرآن در این باره می‌فرماید: (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (بقره/۲۶۸) «این شیطان است که وقتی می‌خواهد [از اموال مرغوب خود] انفاق کنید شما را به تهیدستی تهدید می‌کند و به بخل فرمان می‌دهد و خداست که شما را به آمرزش و فضل خود مژده می‌دهد و خدا را بخشی گسترده و فضلی بی‌پایان است». بدینسان نقش تعالیم آسمانی در این زمینه غفلت‌زدایی و جهت دهی به دریافت درونی بیم و مژده به سمت «حقایق» است تا واقعاً انسان از اموری بترسد که شایسته ترس و هراس است و به اموری دل بندد که حقیقتاً شایسته اشتیاق مژده است.

۳. شیعه و اهل سنت در روایات متعدد آورده‌اند: آواز دهنده یا همان مُؤدِّن، میان بهشتیان و دوزخیان، حضرت امام علی (ع) است. (حویزی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۳۲)

۴. دیدگاه مفسران درباره معنای این آیه، به دو گروه عمده تقسیم می‌شود، برخی «السُّوْأَى» را اسم برای «کان» دانسته و آیه را چنین معنا می‌کنند، «فرجام کسانی که بد کردند جز بدی و عذاب ناگوار نبود، چرا که آیات خدا را تکذیب کردند و...» و برخی، «أَنْ كَذَّبُوا» را اسم «کان» دانسته و درباره

معنای آیه چنین می‌گویند: «فرجام کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند تکذیب آیات خدا بود و...» (برای توضیح بیش‌تر، ر.ک: قمی مشهدی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۰، ص ۱۷۸)

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه سید محمدرضا صفوی بر اساس تفسیر المیزان.
۲. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ضبط صبحی صالح، بیروت، [بی‌نا]، ۱۳۸۷ ق.
۳. صحیفه سجادیه، به قلم فیض الاسلام، ۱۳۷۵ ق.
۴. بلاغی نجفی، محمدجواد، الاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، مکتبۀ الوجدانی، [بی‌تا].
۵. حویزی، عبدعلی، نورالثقلین، تصحیح هاشم الرسولی المحلاتی، قم، مؤسسۀ مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی‌تا].
۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسۀ الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محلاتی و طباطبایی، بیروت، دارالمعرفۀ، ۱۴۰۶ ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ق.
۹. عاملی، بهاء‌الدین محمد (شیخ بهایی)، العروۀ الوثقی، تحقیق فارس حسون کریم، قم، [بی‌نا]، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، تحقیق مخزومی و سامرائی، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، القاهرة، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ ق.
۱۲. قمی مشهدی، محمدرضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، مؤسسۀ الطبع و النشر لوزارۀ الثقافۀ و الارشاد، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا، [بی‌تا].
۱۵. نجارزادگان، فتح‌الله، رهیافتی به تربیت علمی، قم، نشر معارف، ۱۳۹۲.